نگاه

فان نیستلروی؛ جدیدترین قربانی ستیز با فرگوسن

در اولدترافورد راه دوم وجود ندارد

وصال روحانی

«رودفان نیستلروی» جدیدترین نمونه و مورد و آدمی است که درمی یابد اختلاف سلیقه با الکس فرگوسن مربی بیش از حد قدرتمند منچستر یونایتد، به معنای خروج از اولدترافورد است و راه دومی وجود ندارد. مربی ۶۶ساله و اسکاتلندی شیاطین سرخ طی سال های اخیر عذر یاپ استم، دیوید بکام و حتی روی کین را از منچستر خواسته است. حال آنکه دو نفر آخر مظاهر یونایتد به شمار می آمدند. با این حال رودررو ایستادن آنها با «سرالکس» به آنها تفهیم کرد که مرد اول اولدترافورد تسلیم ناپذیر است. چه کسی می تواند فراموش و انکار کند که فان نیستلروی یک مهره رویایی برای این باشگاه بوده و در ۲۱۹ بازی برای منچستر طی ۵ سال گذشته ۱۵۰ گل به ثمر رسانده بود؟ فرگی مدعی است که هنوز نمی داند چرا مهاجم سرشناس و هلندی اش چنان در اولدترافورد به تنگ آمده بود که درست در آستانه فینال جام حذفی ۲۰۰۵ انگلیس (در برابر آرسنال) درخواست انتقال داد، سپس در اواسط فصل گذشته توسط مدیر برنامه هایش این امر را رسماً به اطلاع وی رساند و در نهایت ابتدای تابستان امسال با دست خط خودش دوباره مسئله را به وی متذکر شد. این یک راه بسیار بد برای پایان دادن به یک ارتباط سازنده و مفید و خوب بوده است و باید صبر کرد و دید که آیا منچستر افسوس واگذاری فان نیستلروی را خواهد خورد یا نه، زیرا وی جمعه گذشته در معامله ای به قیمت ۱۰/۲ میلیون پوند به رئال مادرید کوچ کرد و دیگر یکی از شیاطین سرخ نیست. شواهد و نشانه ها برای پیش بینی آینده، متضاد است. فصل پیش و به خصوص در نیم فصل دوم فان نیستلروی کمتر به میدان اعزام شد و بسیار واضح و آشکار بود که فرگوسن در اواخر فصل «لوئیس ساها»ی فرانسوی را برای فان نیستلروی ارجح می دارد و نقطه اوج این نگرش در فینال مسابقات جام اتحادیه باشگاه های انگلیس بود که فرگوسن مهاجم سابق آیندهوون را به کلی از جمع ۱۸ نفر نهایی بیرون گذاشت و او را مات کرد. با این همه و در فصلی که فان نیستلروی به تصمیم فرگوسن بارها روی نیمکت نشست، در ۳۵ بازی لیگی ۲۱ گل به ثمر رساند تا پس از تیری آنری آرسنالی دومین گلزن موفق لیگ برتر باشد. با این حال توجه ها بیشتر به این نکته جلب شد که فان نیستلروی پس از مطلع شدن از نیمکت نشینی مجددش در بازی آخر فصل در برابر چارلتون، قبل از شروع مسابقه ورزشگاه را ترک گفت و زمانی که بازی بزرگداشت «روی کین» فرا رسید، به وی گفتند در آن دیدار هم سهمی ندارد. وقتی فان نیستلروی دقایقی قبل از دیدار با چارلتون از محل محو شد، فرگوسن گفت: «مسائلی در ارتباط با رود روی داده است که بیشتر به پز و اعتبار خود او و باشگاه مربوط می شود و من فقط می توانم این را بگویم که او حافظ چنین اعتباری نبوده است.»

■ روزهای جام جهانی

اما بداقبالی ها و روزهای بد رود به جام جهانی هم استمرار یافت. موقعی که در هر سه دیدار مرحله گروهی تعویض شد و مارکو فان باستن مربی تیم ملی این کشور به وضوح از وی انتقاد کرد و در دیدار مرحله یک هشتم نهایی که در هنگامه جنگ فیزیکی با پرتغال، هلند کسی مثل او را می طلبید تا گل نجات بخش را برای این کشور بزند، فان باستن در آن موقع هم او را به میدان نفرستاد و بر تلخ کامی های رود افزود. اما چه نتیجه گیری از روی آن قضیه می شد صورت داد؟ آیا نیمکت نشینی او در برخی روزها در جام جهانی هجدهم به این معنا نبود که فرگوسن در تشخیص این که وی نزول کرده و آن بازیکن گذشته نیست، اشتباه نکرده و آن موضوع را به درستی حس کرده بود؟ با این حال اگر فرگی اشتباه کرده باشد و فان نیستلروی هنوز مهاجم بزرگی باشد، اقدام او در زمینه بیرون راندن وی از اولدترافورد می تواند به این مربی نامدار که بیست و یکمین سال حضورش را در این باشگاه می گذراند و همچنین امیدهای یونایتد برای بازپس گیری عنوان قهرمانی لیگ برتر انگلیس از چلسی لطماتی اساسی را وارد کند. وین رونی به رغم تمامی نبوغ و قدرت ضربتی غیرقابل انکارش یک گلزن ذاتی و مادرزاد نیست و بالاترین حد گلزنی او برای یک فصل ۱۷ و یا در خوش بینانه ترین حالت ۲۰ گل است. آلن اسمیت در حال بازیابی سلامتی اش پس از عارضه شکستگی پایش است و قبل از آن نیز به خاطر کمبودها و نیازهای منچستر در خط میانی اش به این خط گسیل شده بود. لوئیس ساها در اکثر اوقات سال مصدوم یا بیمار است و اوله گونار سولشر هم پس از دو سال و نیم مصدومیت های مزمن و پیاپی تازه به صحنه بازگشته و بعید است در ۳۳سالگی همان چیزی باشد که ۷، ۸ سال پیش و هنگامی که «ذخیره طلایی» خوانده می شد، جلوه می کرد. مشکلات منچستر یونایتد حتی در فصل تعطیلات (تابستان) نیز زیاد بوده است. وقتی در مسابقه تیم های ملی انگلیس - پرتغال بین کریستیانو رونالدو و وین رونی درگیری پیش آمد و این رویارویی منجر به اخراج رونی از میدان شد، مهاجم پرتغالی چنان از برخورد قهرآمیز منچستری ها با خود ناراحت و ناامید شد که گفت دیگر به اولدترافورد باز نخواهد گشت و حتی اگر او برگردد، کسی نمی داند که آیا فردی هست که بتواند در غیاب فان نیستلروی پاس ها و سانترهای وی را بدل به گل کند یا خیر.

منبع: BBC

حالا نوبت موجی است که حرف بزند

خُب شروع کنیم

محسن ابراهیمی

لابه لای چترهای جورواجور و رنگ به رنگ خانم جوانا با تکان دادن سرش تائید می کند که روزهای تلخی را سپری می کند. او یک بانوی غمگین است و متعجب که چرا همه این روزها به دنبال شوهرش هستند. «از دو ماه پیش همه چیز خالی شد. از دو ماه پیش دیگر آدم های خوبی به حساب نمی آییم.» به این صورت سرنوشت یک زندگی عوض می شود. رنگ دیگری به خود می گیرد. دیگر حتی دریا هم تازه و شاداب نیست چه رسد به اینکه آدم های درون آن شاداب باشند. همه چیز تغییر کرده است. از ۴۰۰ تلفن در روز به سکوت مطلق رسیده اند. تنها یک سال پیش، در همین اوقات، شوهرش در میان میلیاردرهای فوتبال و پول های دیوانه یکه تازی می کرد و فقط دروغ هایش را همراه خود داشت و بدون اینکه به چشم فرد روبه رویش نگاه کند می خرید و می فروخت. فقط به دنبال منفعت جایی بود که برایش کار می کرد او حساب همه چیز دستش بود اما امروز فقط پول قهوه و غذا را حساب می کند. هنوز همان سیگار را بر لب دارد و در میان دود انبوه آن صورتش گم می شود، چشم هایش مرطوب می شود و بدون اینکه حرفی بزند راهش را ادامه می دهد و نزد دوستانش می رود که همه بازنشسته هستند. قبلاً اینجا بودند و این بودن را مثل همیشه ادامه می دهند. در کنار ساحل. زیر آفتاب یا زیر چتر. سال قبل همه در خدمت او بودند اما امروز خدمت بزرگی وجود ندارد که انجام شود. جوانا و لوچانو به خانه خواهر این مرد کم حرف آمده اند. پدر پیرشان هم مهمان است، هرچند که احوال خوشی ندارد اما خانواده دور هم جمع شده اند. دیگر دریا دیده نمی شود. خانه دور از ساحل است. روزها با ابتذال پیش پا افتاده اش می آید، می رود و ادامه پیدا می کند. به اندازه کافی کسل کننده است. مرد هنوز سکوت کرده است. جوانا به دریا می رود، ورق بازی می کند و گاهی هم به خرید می رود. قبل از هر چیزی مرد گفته بود که ترجیح می دهد کمی به خودش وقت بدهد. منتظر بماند. اما همین که راه می افتد فکرهای جدیدی به ذهنش می رسد. حکم دادگاه صادر شده است. همه تخفیف ها را داده اند و «بحران موجی» به روزهای آخر خود می رسد و یوونتوس باید زندگی حداقلی خود را امیدوارانه شروع کند. حالا نوبت لوچانو موجی است که حرف بزند. ناگهان تصمیم می گیرد. برخلاف آنکه در برابر قضات دادگاه هیچ حرفی برای دفاع از خودش نزده بود. این بار می گوید: «فردا در تورینو همدیگر را می بینیم. در نهایت آرامش. کنفرانس مطبوعاتی نیست. فقط چند خبرنگار که به من اعتماد دارند حضور خواهند داشت. وعده ما هتل کنکورد در شهر تورینو. همان سالن همیشگی. همان مکانی که یوونتوس قهرمان در آن اقامت داشت.» این ملاقات مخفیانه نیست. لوچانو موجی مرد تمام بحران و رسوایی های اخیر فوتبال ایتالیا می خواهد حرف بزند. مثل یک فیلم اکشن. دلسردی های کلام او هم زیباست. باید شنید. تا امروز همه علیه او بوده اند. ضدحمله اش را ترتیب داده است. مثل اینکه به خانه برگشته است. یک ساعت مونولوگ. یک به یک توضیح می دهد. با صدایی آرام. گاهی هم آهنگ صدای او تغییر می کرد. حالا زنگ دیگری به صدا در آمده است. کسی که قدرت زیادی در فوتبال داشت و می خواهد رسوایی تابستان را توضیح دهد:

■■■

من هیچ حرفی نزدم. چون احساس می کردم که قضاوت عادلانه ای را از یک دادگاه ورزشی نخواهم دید. هر کسی فکر می کرد که اسباب بازی دستش گرفته است. موجی و جیرائودو را وسط انداخته بودند و بازی می کردند. در این شرایط خیلی خوب است که از خودم دفاع کنم. این کار را برای خودم و یوونتوس انجام می دهم که هیچ چیزی را ندزدیده است. همانطور که در فینال جام جهانی لیاقت خودش را نشان داد. یووه ایتالیا در برابر یووه فرانسه. من تا آخرین حد ممکن پیش می روم. همه فکر می کنند که موجی را بیرون کرده اند. آرام باشید. آنها هنوز هم مجبور هستند که مرا بیرون بیندازند.

■■■

موجی با جدیت می گوید: خب شروع کنیم. قضات می گویند که از محتوای تلفنی من و جیرائودو می توان فهمید که ما روی دو میز جداگانه کار می کنیم. در داخل میدان و در بیرون. در واقع در گفت وگوی تلفنی جیرائودو به من می گوید که کارها را تقسیم کنیم: در داخل و خارج. آنها خیلی زود این حرف را یک اتهام می دانند. خارج یعنی داوران. در حقیقت با یک رویا پردازی روبه رو شده ایم. در حقیقت داخلی ها بازیکنان ما هستند که مرتباً با یکدیگر دعوا می کنند و خارجی ها هم شما روزنامه نگاران هستید که از همین بحران ها تغذیه می کنید و در تیم اختلاف به وجود می آید. به این مسئله توجه کنید هیچ نتیجه ای از گفت وگوی تلفنی ما نمی گیرند که ربطی به داوری داشته باشد. باید صادقانه بگویم آنچه را که دلاواله رو به دادگاه و کمیسر گفت عالی بود و خوشم آمد. بله مسلماً از یک تلفن می توان هر آنچه که دلشان می خواهد بیرون بکشند و تعبیر کنند البته با یک کمی شجاعت و کمی هم رویاپردازی.

■■■

می گویند که به واسطه دو تلفن دیگر رابطه فیورنتینا و موجی مشخص شده است. این یک کمدی است که مطرح می کنند. خب بعد از بازی میلان-فیورنتینا دلاواله (رئیس باشگاه فیورنتینا) به من زنگ زد و عصبانی بود. من هم به او همان مشورتی را دادم که به همه می دادم و گفتم اگر جای خودت را عوض کنی و بعد حرف بزنی همه چیز جور دیگر می شود. او از من خواست که با برادرش هم حرف بزنم. من این کار را کردم. این چیز را گفتم. تمام. این چه قانونی است که می گوید من نباید با دوستانم حرف بزنم. یعنی چه؟ یا اینکه هر کسی با موجی در ارتباط باشد باید رسوا شود. این حرف ها یعنی چه؟ می خواهید ما بنشینیم و فقط با یکدیگر شوخی کنیم؟

■■■

موجی با خوشحالی می گوید: پیشنهادی به دادگاه عالی و قضات آن دارم. واقعاً برایشان مهم است یا آنها خیلی جوان هستند یا اینکه خارج از فوتبال هستند. اگر می خواهند بدانند که چقدر به یووه لطف شده است چهار تیم اول را بررسی کنند تا ببینند که به چه کسی لطف شده یا مورد بی مهری قرار گرفته است. دادگاه متوجه می شود که یووه همیشه با اقتدار خودش قهرمان شده است. در حقیقت ما هیچ وقت امتیاز نخواستیم. فقط درخواست کردیم که ما را خراب نکنند. اینها با هم متفاوت هستند، به نظرم همه ودیرات چنین خواسته ای دارند.

■■■

در مورد اخطارها همه چیز وجود دارد و خیلی معروف شده است. حقیقت دارد من گفتم که شاید چند بازیکن فیورنتینا اخطار بگیرند و هفته بعد مقابل ما بازی نکنند و اگر چنین قدرتی وجود دارد باید به این مدیریت تبریک گفت. شما وقتی این حرف ها را می شنوید چه می گویید؟ حالا من به شما می گویم که اگر فکر می کنند د سانتیس (داور معروف ایتالیایی در پرونده رسوایی فوتبال) برای من کار می کرد اشتباه فکر می کنند. من هیچ وقت از بازی بولونیا- فیورنتینا حرفی نزدم. شما فکر می کنید که من آنقدر باهوش هستم که همه چیز را پیش بینی کنم؟ کمی بعد از آن بازی میلان-فیورنتینا بود، قبل از بازی یووه- میلان. پیرلو، نستا و سیدورف غایب بودند. اما برای میلان یک اتفاق دیگر افتاد. میلان بازی را برد و دسانتیس هم به این سه نفر هیچ اخطاری نداد. من چرا آنجا هیچ اقدامی نکرده بودم؟

■■■

من به این دوستی افتخار می کنم. باید به یک مسئله اشاره کنم؛ یووه- پارما. ما یک بر صفر بردیم گل کاناوارو که برای پارما بازی می کرد مردود اعلام شد. روز بعد از آن طرفداران لاتزیو جلوی کاخ دادگستری اعتراض کردند. یک هفته بعد یووه در پروجا با آن وضعیت باخت و قهرمانی را از دست داد به لطف کمک به لاتزیو. همه آن داستان را خوب می دانند. در سوپرجام ۲۰۰۵-۲۰۰۴ با گلی که د سانتیس مردود اعلام کرد باختیم و جام جای دیگری رفت. پالرمو- یووه ۱-۰ د سانتیس پنالتی ما را نگرفت تا بازنده باشیم. پارما- یووه ۲-۲ پنالتی ما را خراب کرد تا به خواسته بزرگمان نرسیم. داور د سانتیس. می دانید چه می گویم؟ اگر دوستان اینها هستند بهتر است که دنبال دشمنان باشیم این طوری بهتر است.

■■■

می گویند که من از قبل اسم داوران را می دانستم. اما توجه کنید. ساعت ۱۱ شب قرعه کشی می شد در کوورچانو. ۱۱/۳۰ همه می توانستند بدانند که چه کسی داور بازی هفته است. فقط کافی بود یک تلفن به مرکز داوران بزنید. ۱۲/۱۵ به باشگاه ها فکس می زدند و من هم ۱۱/۵۳ از این لیست خبردار می شدم. آیا این واقعاً عجیب است؟ شوخی نداریم. کدام سیستم. کدام باند و گروه. برگامو و پایرتو با من حرف می زدند. همانطور که با دیگران صحبت می کنند. آنها کار مستقل خودشان را داشتند. من می خواهم همه چیز را بگویم. هیچ کس از رسوایی فوتبال حرف نمی زند. همه از بحران موجی می گویند. در حقیقت آنها می خواستند که من را پایین بکشند. این سیستم هنوز سرپاست و فقط می خواهد من غرق شوم.

■■■

من هیچ وقت به دیگران نگفتم که بعد از بازی به اتاق داوران بروند. اما این واقعیت دارد که من و جیرائودو بعد بازی رجینا- یووه با قطار برمی گشتیم. آنجا پاپارستا هم بود و با هم حرف زدیم. آنچه در ذهنمان بود توضیح می دادیم. به پاپارستا گفتم که هر وقت او داور بازی ما بوده تیم ما به مشکل برخورد می کند. بعد هم رفتیم. به جیرائودو هم گفتم که در را قفل کنیم و کلید آن را دور بیندازیم. فقط در را قفل کردیم. مدیر رجینا هم آنجا بود و به او گفتیم همه این شوخی ۲۰ ثانیه طول کشید. اما بعد داور حرف های عجیبی زد و تهدید کرد که امنیت کاری اش به خطر افتاده است. اما هیچ تهدیدی نبود. او هفته بعد در دسته دوم بازی تورینو- ونیتزیا را قضاوت کرد و هفته بعد هم در سری A داوری کرد.

■■■

بله با کسانی که مسئول انتخاب و قرعه کشی داوران بودم شام می خوردم. مثل همه مدیران یا عده ای از آنها. همانطور که کولینا گفت با مثانی- از مدیران میلان- شام خورده است چون بیست سال است همدیگر را می شناسند. من هم پایرتو و برگامو را از سی سال پیش می شناسم.

■■■

مطمئناً باید از رئیس کمیته المپیک انتقاد کرد. او روسی را به عنوان کمیسر موقت بر امور فدراسیون فوتبال گذاشت در حالی که همه می دانستند او از اعضای هیات مدیره باشگاه اینتر بوده است. حالا یکی از حرف های مانچینی یادم می آید (او یک مربی عالی و کمی هم انسان خوبی است) که می گفت: جواب موجی را نمی دهم چون او باید به مدیران ارشد جواب پس بدهد. واقعاً برایم جالب بود. آنها ما را خراب کردند. مانچینی همه چیز را می دانست.

■■■

آقایان اینجا متوقف نمی شوم. خوشحالم که با این حکم عده ای نجات پیدا کردند. مسلماً برای یووه خوشحال نیستم. اما قول می دهم که تا انتها پیش بروم. همه چیز در حد مکالمات تلفنی متوقف شد. بدون اینکه به دنبال ماجراهای دیگر بروند. این طوری بهتر است. حالا من حرف می زنم و نوبت من است.

■■■

این یک تاسف بزرگ است که یووه به دسته دوم سقوط کرده است اما مردم آرام آرام متوجه می شوند که چه اتفاقی افتاده و ما را درک می کنند. وقتی به اینجا می آمدم یک نفر سرش را از پنجره بیرون آورد و گفت: دوازده سال رویاهای تحقق یافته مان را با پیروزی های یووه فراموش نخواهیم کرد. و من هم می خواهم به او بگویم اگر اینجا هستم تا خودم را تنبیه کنم در حقیقت به خاطر این مردم است. در مورد آینده کسی نمی تواند حرفی بزند. من هم معلوم نیست کجا باشم. اما فکر نمی کنم به فوتبال برگردم. حالا وسط دریا می روم و حالم خوب است. در مورد فردا هم فکر نکرده ام...

لوچانو موجی از بازی جدیدی حرف می زند که می خواهد در برابر دادگاه عالی انجام دهد. او مدیر پرقدرتی بود که از هر دادگاهی برنده بیرون می آمد. اما در مورد پرونده رسوایی برای قضاوت هنوز زود است.

اولین گفت وگوی سرمربی جدید برزیل

دونگا: امرسون از من بهتر است

ترجمه: محمد حسینی

خبرنگار روزنامه «مارکا» تا پورتو آلگره سفرکرد، شهری جنوبی در برزیل که کارلوس دونگا هنوز مقیم آن است، او سرمربی جدید تیمی است که پنج بار عنوان قهرمانی جهان را از آن خود کرده، به رغم این، امروز همه ما طعم تلخی از رقابت معقولانه سلسائو (نامی که تیم ملی فوتبال برزیل به آن خوانده می شود) را در جام جهانی آلمان حس می کنیم. به همین دلیل دونگا بر سر کار گمارده شده است. کاپیتان برزیل در جام جهانی ۹۴ تازه این پست را تحویل گرفته و با اسپانیایی سلیس خود به ما می گوید که هنوز وقت نکرده این موضوع را هضم کند. وی در دفتر شخصی خود پذیرای ما شد.

■■■

■فکر می کنید چگونه بتوانید شکست جام جهانی اخیر را جبران کنید؟

می خواهم با همه و تک تک بازیکنان صحبت کنم و بدانم واقعاً در این تابستان چه گذشت.

■شک شما بر چیست؟ از بیرون گود چه دیدید؟

این را من نمی گویم، بعضی از بازیکنان می گویند، میل و انگیزه ای نبود... و این برای برزیل ممنوع است.

■آیا این حقیقت دارد که شما در فکر پاکسازی بازیکنان قدیمی هستید؟

مسئله نام ها نیست. من قاطعانه رفتار می کنم. میل دارم مطمئن شوم از اینکه بازیکنان با روح و جسم شان و از صمیم قلب بازی می کنند. من فلسفه خودم را دارم و کسی که در آن نگنجد می رود. شخصاً هر آنچه در فوتبال به دست آورده ام با فداکاری بوده، در هر کاری اگر فداکاری نباشد، موفقیت نیست.

■شاید ما باید جوگو بونیتو (بازی زیبا) را فراموش کنیم؟ به آن اعتقاد دارید؟

یک نفر برای بردن تلاش می کند. و شخص دیگر فقط وقتی می برد خوشحال می شود و نه بالعکس و فقط کسی می خندد که در آخر برنده شده. در تفکر من مهم اول کار گروهی است و سپس کار انفرادی. تکنیک تعادل را خراب می کند اما فقط در قالب یک نظم می تواند مفید باشد.

■تقبل سرمربیگری برزیل، بدون تجربه قبلی مسئولیت حتی در یک تیم نوجوانان ریسک بزرگی نیست؟

بله، البته، اما چه کسی کسب مقام با مربی مجرب را تضمین می کند؟ ریسک است، ولی شما به کلینزمن نگاه کنید، موفق نبود؟ من باتجربه نیستم ولی در عوض تواضع لازم برای شنیدن و یادگرفتن را دارم.

■از رونالدینیو، کاکا، آدریانو و رونالدو در کنار هم بازی می گیرید؟

من به ۴-۲-۴ با چهارتا نوک اعتقادی ندارم. به تعادل معتقدم، همه حمله و همه دفاع کنند. برای بازی با توپ اول باید آن را گرفت. خیلی واضح است.

■طرز تفکر شما به کاپلو نزدیک است. با او صحبت خواهید کرد؟

بله، به اسپانیا خواهم رفت و با تمام مربیانی که از برزیلی ها استفاده می کنند تماس خواهم گرفت. و شش ملی پوش برزیلی در رئال مادرید هستند. حقیقت اینکه نمی دانم چرا می گویید من شبیه کاپلو هستم، اما درست است اینکه برای من اول فداکاری اهمیت دارد.

■فکر نمی کنید رفتن امرسون به مادرید کمی دیر برایش اتفاق افتاد؟

نه، امرسون دقیقاً پختگی لازم برای رئال را دارد، در آلمان و ایتالیا بازی کرده و حالا نوبت اسپانیا است. خرید بزرگی است. رئال به حد کافی بازیکنان خلاق دارد که در جریان بازی سازی فعال باشند.

■امرسون به عنوان هافبک میانی شباهت زیادی به شما دارد.

(با خنده) فکر می کنم او بهتر است. با همان استیل ولی بهتر.

■و در مورد کاکا، فکر می کنید او به رئال مادرید برود؟

این را نمی دانم. فکر نمی کنم او در اسپانیا موفق تر از ایتالیا باشد. معتقدم او فقط به یک تیم خوب نیاز دارد.

■این حرف و حدیث هایی که همیشه دوروبر رونالدو وجود دارد را چگونه تفسیر می کنید؟

او باید آرام باشد. برای من گذشته او مهم نیست. فقط اینکه خود را با طرز تفکر من وفق دهد و بخواهد آن را اجرا کند.

چهره ها

آیمار در ساراگوسا

پابلو آیمار هافبک آرژانتینی والنسیا که پیش بینی می شد فصل آینده به لیورپول بپیوندد با رئال ساراگوسا قرارداد امضا کرد. باشگاه ساراگوسا با اعلام پیوستن آیمار به این باشگاه در وب سایت خود نوشت: «پس از انجام مذاکرات فشرده با نمایندگان پابلو آیمار سرانجام موفق شدیم با این بازیکن قرارداد امضا کنیم تا یکی از مهمترین خریدهای تاریخ باشگاه ساراگوسا انجام شود.» قرارداد آیمار با ساراگوسا چهارساله و به مبلغ ۱۱ میلیون یورو است. آیمار چهارمین بازیکن جدیدی است که ویکتور فرناندز مربی جدید ساراگوسا به خدمت گرفته است. پیش از این آندرس دی آلساندرو به طور قرضی از ولفسبورگ، سرجیو فرناندز و خوان فران به ساراگوسا پیوستند. آیمار در فصل ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ به والنسیا پیوست و حدود ۲۰۰ بازی با پیراهن این تیم انجام داد. آیمار همراه با والنسیا موفق شد دو عنوان قهرمانی لالیگا، یک قهرمانی در جام یوفا و یک قهرمانی در سوپرجام اروپا را به دست آورد. آیمار پس از گابی، دیگو میلیتو و آندرس دی آلساندرو چهارمین آرژانتینی ساراگوسا به شمار می آید.

کامورانزی هم می رود

مائورو کامورانزی هافبک یووه در گفت وگو با تلویزیون آرژانتین اعلام کرد که قصد دارد یووه را ترک کند. «آینده من؟ فعلاً در حال بررسی پیشنهادات هستم. بازیکنان بزرگ همیشه دوست دارند در بالاترین سطح بازی کنند و وقتی به این وضعیت عادت کردید برایتان سخت است که با شرایط جدید هماهنگ شوید. ورزشگاه های بزرگ، فتح جام های معتبر، حضور در بازی های مهم. اینها همه چیزهایی است که وقتی به آنها عادت کردید به سختی می توانید آنها را کنار بگذارید. با تمام احترامی که برای یووه قائل هستم اما باید بگویم وضعیت یووه در فصل آینده تفاوتی با یک تیم سری C ندارد و نمی توانم تصور کنم پس از پشت سر گذاشتن یک جام جهانی رویایی در ورزشگاهی ۲۰ هزار نفری به میدان بروم. قصد دارم با مدیران یووه صحبت کنم و سپس تصمیم نهایی را خواهم گرفت.» ساراگوسا، والنسیا، بایرن مونیخ و یا اینتر؟ «هدفم این است که در تیمی قدرتمند بازی کنم که توانایی درخشش در لیگ قهرمانان اروپا را داشته باشد.» بایرن یکی از تیم هایی بود که شانس زیادی برای در اختیار گرفتن کامورانزی داشت اما کارل هاینتس رومینیگه رئیس بایرن اعلام کرده که فصل نقل و انتقالات برای تیمش تمام شده و خرید جدیدی انجام نخواهد داد. با توجه به جملاتی که اخیراً کامورانزی در مورد اینتر به زبان آورده بود شانس پیوستن اش به اینتر نیز بسیار بعید است. کامورانزی پس از اعطای قهرمانی به اینتر گفت: «اینتر هرگز نخواهد توانست ۱۵ امتیاز بیشتر از یووه بگیرد. اینتر لیاقت قهرمانی در سری A را نداشت مگر آنکه پس از ۱۷ سال این گونه قهرمان سری A شود. قهرمان واقعی یوونتوس است.»

رویای حضور در تیم اول بارسا

جیووانی دوس سانتوس مکزیکی که در جام جهانی جوانان در سال گذشته به عنوان بهترین بازیکن انتخاب شد شانس زیادی برای حضور در تیم بزرگسالان بارسا در فصل جدید دارد. این ستاره ۱۷ ساله در جریان بازی دوستانه بارسلونا مقابل آرهاس دانمارک که به پیروزی سه بر صفر قهرمان اسپانیا و اروپا انجامید یک گل زد و بازی بسیار درخشانی انجام داد و تحسین بازیکنان و کادر مربیان بارسا را برانگیخت. فرانک رایکارد در مورد ستاره ۱۷ ساله تیمش که فصل گذشته در تیم زیر ۱۸ سال بارسلونا بازی می کرد به وب سایت باشگاه گفت: «جیووانی گل بسیار زیبایی به ثمر رساند و در جریان بازی هماهنگی بسیار خوبی با دیگر بازیکنان داشت. فراموش نکنیم که جیووانی برای اولین بار در کنار بازیکنان اصلی تیم قرار گرفت.» بگریستین مدیر ورزشی بارسا نیز در مورد درخشش دوس سانتوس و احتمال حضورش در تور آمریکا همراه با تیم اصلی بارسلونا می گوید: «در حال حاضر او یک بازیکن مثل دیگر بازیکنان بارسا است. باید دید رایکارد چه تصمیمی می گیرد و اینکه قصد دارد آیا او را در اسپانیا نگه دارد و یا با دیگر بازیکنان اصلی تیم به آمریکا ببرد. شانس حضورش در تیم اصلی به اندازه دیگر بازیکنان تیم است و نباید در این مورد عجله کرد. مسی یکی دو سال از جیووانی بزرگتر است و فرصت حضور در جام جهانی را نیز داشت و در تیم اصلی بارسا بازی می کند. جیووانی دوس سانتوس نیز بازیکن بسیار خوبی است اما هیجان زده نشوید و کمی صبر کنید. مطمئناً رایکارد تصمیمی خواهد گرفت که هم به نفع جیووانی باشد و هم تیم بارسا.» در بازی دوستانه بارسلونا مقابل آرهاس ایدور گودیانسن مهاجم چلسی که اخیراً به بارسا پیوسته در کنار دوس سانتوس خط حمله بارسا را تشکیل می دادند.